

مدیران مدح سوار

برخی ها برای ماندن در قدرت و از دست ندادن پست و مقام به هر کاری دست می زنند. اگر هدف برخورداری از جلال و جبروت مدیریت باشد وقت رنگ باختن فضایل اخلاقی فرا می رسد. گذشته خود را فراموش می کنند و برای حال حاضرشان افتخار کرده و خود را تافته جدا بافته تلقی می کنند.

فرصت طلبان قدرت طلب حاضرند که برخی از تفکرات خود را در زیر پا له کنند تا لطمه ای به موقعیت میز مدیریت وارد نشود. اگر لازم باشد به هر کف روی ابی چنگ می اندازند تا آسیبی هرچند جزئی به مقام ریاست و مدیریت شان وارد نشود. آنها در راه رسیدن به هدف از میدان دادن به افراد دروغگو، آمارساز و مغرور از خدا بی خبر کوتاهی نمی کنند.

برای شناخت روند مدیریتی افراد وقتی که در مسند قدرت جلوس می کنند توجه به ملاقات ها و اشخاص حاضر در اطراف و مورد اعتمادشان می تواند راهگشا باشد.

در جایی خواندم: زندگی واقعی انسان با ملاقات های او آغاز می شود بنابراین برای کسانی که در جستجوی مفهوم واقعی زندگی هستند انتخاب دوستان و معاشران از اهمیت زیادی برخوردار است و می تواند تمام آینده را تحت الشعاع قرار بدهد.

وقتی مدیری، دروغگویان حرفه ای، متملقین قهار، آمارسازان پرادعا و سیاه نمایان شناخته شده را در اطرافش جمع کند معلوم است که با گذشت زمان بر سر مجموعه تحت مدیریتش چه بلایی را نازل می کند.

در چنین شرایطی انگیزه برای خدمت و تلاش بیشتر در بین کارکنان رنگ می بازد و مجموعه با چالش و بحران جدی روبرو می شود.

نقش بازی کردن برای انحراف افکار عمومی چندان نمی تواند دوام داشته باشد چرا که وقتی حرف ها با واقعیت ها همخوانی نداشته باشد رسوایی به بار می آورد.

بی گمان که هر زبان پرده دل است

چون بجنید پرده، سیرها واصل است

بی تردید هر زبان به منزله پرده اتاق است، همانطور که وقتی پرده به واسطه وزش باد می جنبد درون اتاق نمایان می گردد، زبان هم وقتی می جنبد و به سخن آغاز می کند، اسرار درون را آشکار می کند.

مدیری که حیات مدیریتش را در ارائه گزارش های نادرست و آمارهای ساختگی بدانند و آویزان شدن از دامن مسئولان محلی و منطقه ای را چاره ای برای پوشش ناهمخوانی واقعیت ها و آمارها بدانند رسوائی اش در گذر زمان حتمی خواهد بود.

باید به حال آن مدیری گریست که یکی از راه های ماندن در قدرت را با مدح سواری برگزیند. هزینه از هر منبع و بهانه تای را برای به استخدام درآوردن کسانی که در این راه از تبحر کافی برخوردارند مباح بدانند و با این کار مثبت ماندن در فضای تبلیغاتی و مجازی را به خیالش تضمین نماید.

اما باید دانست که نمایندگان افکار عمومی چند نفری نیستند که آنها فکر می کنند. در برخی موارد سکوت بعضی ها در قبال حقیقت، کشنده تر است و باید بدانیم که مدح بیهوده هم ناپسند و پرآسیب است.

می بلرزد عرش از مدح شقی

بد گمان گردد ز مدحش متقی

چه زیباست که افراد بعد از رسیدن به قدرت گذشته خود را فراموش نکنند، واقعیت ها وارونه جلوه ندهند، صداقت و انصاف را در سرلوحه کارها قرار دهند و قدرت در سایه حق را بر قدرت ناشی از دروغ و ریا و تظاهر و باند بازی ترجیح بدهند.

دانه فلفل سیاه و خال مه رویان سیاه

هر دو جانسوزند اما این کجا و آن کجا